

مسئولیت کیفری اطفال در سیاست مجازات اسلامی ۱۳۹۲

(از سیاست تفریطی تا سیاست افراطی)^۱

دکتر بابک پورقهرمانی^۲، دکتر فاطمه احدی^۳

چکیده

عدم مسئولیت کیفری افراد نابالغ در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ مورد پذیرش قرار گرفته است، اما باین حال در بعضی از موارد ارتکاب افعال و رفتارهای مجرمانه از سوی آنها مساوی است با اعمال مجازات علیه آنها، که همین مسئله منافی فقدان مسئولیت کیفری این اشخاص است. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ یکی از شرایط مسئولیت کیفری را بلوغ مرتکب جرم دانسته است و ملاک بلوغ، سن ۱۵ و ۹ سال تمام قمری در دختر و پسر دانسته شده است و اشخاص کمتر از سن فوق فاقد مسئولیت کیفری هستند. تحقیق حاضر که به صورت کتابخانه‌ای و تحلیلی توصیفی نگاشته شده است. به دنبال پاسخ این پرسش است که آسیب عمده قانون جدید در خصوص مسئولیت کیفری اطفال چیست؟ نتایج تحقیق حاکی از آن است که نه تنها مبنای سن بلوغ در مسئولیت کیفری رعایت نشده است بلکه مقنن ضمن الحاق نوجوانان به اطفال بزهکار و در راستای تساوی سازی سن مسئولیت کیفری، نسبت به دختران بزهکار ارفاقات بیشتری قائل شده است که این اقدام به ظاهر رعایت مساوات مقنن، با نص خود مقنن و مبانی فقهی ناسازگار و مغایر است و به نظر سیاست افراطی در پیش گرفته شده است. هرچند که نمی توان به راحتی از اقدام قابل تقدیر مقنن در خصوص پذیرش مسئولیت کیفری نقصان یافته در جرائم تعزیری برای اطفال و نوجوانان و در نظر گرفتن سه مرحله زمانی پس از تحقق بلوغ شرعی (سن مسئولیت کیفری) تا سن ۱۸ سالگی به عنوان مسئولیت کیفری چشم پوشی نمود.

واژگان کلیدی: مسئولیت کیفری، سن بلوغ، اطفال، قانون مجازات اسلامی، اطفال و نوجوانان.

۱. این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی «مسئولیت کیفری اطفال در رویکرد قانون جدید مجازات اسلامی» که توسط بابک پورقهرمانی (مجری) و خانم فاطمه احدی (همکار طرح) که با حمایت مالی دانشگاه آزاد اسلامی مراغه انجام گرفته است، می باشد.

۲- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مراغه، گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، مراغه، ایران (نویسنده مسئول).

۳- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مراغه، گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، مراغه، ایران.

مقدمه

مسئولیت کیفری عبارت است از قابلیت یا اهلیت شخص برای تحمل تبعات جزایی رفتار مجرمانه خود. (صانعی، ۱۳۴۸، ۷۵) و در واقع پاسخگویی شخص نسبت به رفتار مجرمانه خویش است.

در عرصه حقوق کیفری شمول دایره کیفر کسانی را در برمی گیرد که توانایی پذیرش بار تقصیر را که در اصطلاح حقوقدانان قابلیت انتساب نامیده می‌شود (اردبیلی، ۱۳۸۳، ۷۴) داشته باشند؛ لذا افرادی که فاقد علم و آگاهی و یا اختیار کنترل اعمال و رفتار خود را نداشته باشند در قبال امرنهی قانون گذار با تکلیفی مواجه نیستند.

مسئله‌ی سن مسئولیت کیفری از آنجاکه مشخص کننده‌ی جمعیت مشمول مقررات کیفری و در نتیجه تحمیل بار مجازات بر افراد می‌شود، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و در بیست سال اخیر توجهات زیادی نسبت به این موضوع صورت گرفته است به گونه‌ای که تعیین سن مناسب برای مسئولیت کیفری به یکی از مشغله‌های مهم برای علاقه‌مندان به حوزه‌ی بزهکاری اطفال تبدیل شده است. (میر محمدصادقی، ۱۳۹۲، ۲) و همین مواضع باعث شده که غالب حقوقدانان و فقها در کتب حقوقی و فقهی همواره در خصوص مسئولیت کیفری و ارکان تحقق آن به بحث و مجادله نشسته و بعضاً در این خصوص نیز گفته‌ها و نظریات سایرین را به باد انتقاد گرفته‌اند که در این راستا بحث از مقوله بلوغ جنسی و یا بلوغ عقلی و رابطه آن‌ها با تحقق مسئولیت کیفری و مهم‌تر از این‌ها رابطه سن در تحقق بلوغ و متعاقب آن مسئولیت کیفری زیاد است (قیاسی و حیدری، ۱۳۹۲، ۹۱-۹۸) که مقنن ما هم از مجموع این مجادله‌ها بی‌نصیب نمانده و هر بار با پیروی از نظرات برخی از حقوقدانان و فقها به وضع قانون اقدام نموده است، بدین شرح که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ با پذیرش سن بلوغ ۹ سال قمری در دختران و ۱۵ سال قمری در پسران، محدوده سن مسئولیت کیفری افراد را مشخص و رسیدن به سنین مذکور را مساوی با مسئولیت کامل قلمداد نموده و به عبارتی موضوعیت داشتن سن در تحقق مسئولیت کیفری را بدون توجه به واقعیات اجتماعی، روانی را به رسمیت شناخته بود. (محقق هرچقان و صابری ۱۳۹۰) این در حالی است که هدف و فلسفه حقوق اقتضای آن را دارد که برای این اشخاص مسئولیت کیفری در نظر گرفته نشود و بر همین اساس نیز قانون گذار ما در سال ۱۳۹۲ با تصویب قانون مجازات اسلامی گامی بسیار متعالی را نسبت به قانون سابق در راستای پذیرش مسئولیت کیفری این اشخاص برداشته و با پذیرش تدریجی مسئولیت کیفری به نوآوری پرداخته است.

بر اساس ماده ۱۴۰^۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ یکی از شرایط ایجاد مسئولیت کیفری «بالغ بودن مرتکب جرم» است و لذا افراد نابالغ که مبنای آن تعیین سن مرتکب جرم است فاقد این مسئولیت می‌باشند (ماده ۱۴۶ و ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی)^۲ و لذا در خصوص این افراد (افراد نابالغ) بر اساس ماده ۱۴۸ عمل^۳ و اقدامات تأمینی و تربیتی اعمال می‌شود.

براین اساس ابتدا به ارکان مسئولیت کیفری در حقوق کیفری پرداخته می‌شود و سپس به تحولات صورت گرفته در زمینه^۴ مسئولیت کیفری اطفال اشاره خواهد شد و در نهایت به سیاست قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در زمینه^۵ مسئولیت اطفال پرداخته خواهد شد.

۱- مسئولیت کیفری و ارکان آن

مسئولیت در لغت به معنای «پذیرفتن عواقب و پیامدهای کار» است و مسئول کسی است که: «از او سؤال و بازخواست می‌شود» (انوری، ۱۳۸۱: ص ۷۰۱۵). بنابراین مسئولیت همواره با التزام همراه است. در قلمرو حقوق کیفری، محتوای این التزام تقبل آثار و عواقب افعال مجرمانه است، یعنی «تحمل مجازاتی که سزای افعال سرزنش‌آمیز بزهکار به شمار می‌آید؛ لیکن به‌صرف ارتکاب جرم نمی‌توان بار مسئولیت را یک‌باره بر ذمه مقصر گذاشت، بلکه پیش از آن باید وی را سزاوار تحمل این بار سنگین دانست» (اردبیلی، ۱۳۸۱: ج ۲، ص ۷۴).

درواقع مسئولیت کیفری در معنای انتزاعی و مجرد قبل از ارتکاب جرم در افراد قابل احراز است و با این معنا مسئولیت کیفری به معنای قابلیت یا اهلیت شخص برای تحمل تبعات رفتار مجرمانه خود است. بنابراین «مسئولیت کیفری، الزام شخص به پاسخگویی آثار و نتایج جرم است» (میر سعیدی، ۱۳۸۳: ج ۱، ص ۲۱).

«ارکان مسئولیت کیفری عبارت‌اند از: اهلیت جزایی و تقصیر. اهلیت جزایی از دو عنصر ادراک و اختیار تشکیل شده است. ادراک در حقوق جزا به معنای قدرت و توانایی بر درک و تمییز ماهیت افعال، آثار، تبعات اخلاقی و اجتماعی که بر آن‌ها بار می‌شود، به‌کاررفته است» (همان، ص ۱۱۳). با این وصف اگر مجرم مدرک و مختار نباشد، مسئول اعمال خود نیست. به همین جهت تعریف و تعیین حدودمرز مسئولیت کیفری در حقوق کیفری، امری بسیار مهم است. «مسئولیت کیفری چند شرط دارد: الف) شخص به سن معینی رسیده

۱- ماده ۱۴۰- مسئولیت کیفری در حدود، قصاص و تعزیرات تنها زمانی محقق است که فرد حین ارتکاب جرم، عاقل، بالغ و مختار باشد به جز در مورد اکراه بر قتل که حکم آن در کتاب سوم «قصاص» آمده است.

۲- ماده ۱۴۶- افراد نابالغ مسئولیت کیفری ندارند

ماده ۱۴۷- سن بلوغ، در دختران و پسران، به ترتیب نه و پانزده سال تمام قمری است.

۳- ماده ۱۴۸- در مورد افراد نابالغ، براساس مقررات این قانون، اقدامات تأمینی و تربیتی اعمال می‌شود

باشد؛ ب) به جنون و حالات شبیه به آن مبتلا نباشد؛ ج) تحت تأثیر اجبار یا عوامل دیگر اراده‌اش سلب نشده باشد» (صانعی، ۱۳۸۲: ص ۴۸۳). قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ برخلاف قانون سابق فصل اول از بخش چهارم کتاب اول قانون مجازات اسلامی را به شرایط مسئولیت کیفری اختصاص داده است که مواد ۱۴۰-۱۴۵ قانون مذکور در بیان شرایط مذکور است. نکته قابل توجه در مواد مذکور اینک، قانون‌گذار ایران برخلاف قانون مجازات اسلامی سابق که مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را مطرح نکرده بود، در این قانون در کنار مجازات اشخاص حقیقی به مجازات اشخاص حقوقی نیز پرداخته است.

۲- طفل

تعریف طفل، با عنایت به قوانین داخلی از جمله قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی درمی‌یابیم که طفل از دید قانون‌گذار ایران فردی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد و بلوغ شرعی برای پسران ۱۵ و برای دختران ۹ سال تمام قمری است. بعد از رسیدن به بلوغ، مسئولیت کیفری بر طفل تحمیل می‌شود. (فرزین راد، ۱۳۸۶، ص ۱۴۳) طفل در لغت به بچه انسان، پیش از بلوغ یا انسان نابالغ گفته می‌شود، اما در اصطلاح روان‌شناسی، طفولیت دربرگیرنده دورانی است که از اوان خردسالی شروع و در زمانی که فرد، واجد شخصیت اجتماعی می‌شود و از لحاظ جسمی و روانی نضج می‌گیرد، پایان می‌یابد. (براهنی، ۱۳۷۳، ص ۴۷) از دیدگاه جرم‌شناسی، طفل یا نوجوان بزهکار، فردی است که شخصیت وی در حال شکل‌گیری بوده و در جریان اجتماعی شدن است؛ درحالی‌که شخصیت بزهکار بزرگسال، قبلاً شکل گرفته و چندان درخور تحول نیست. (گسن، ۱۳۷۴، ص ۲۳۱) در اصطلاح فقه و حقوق نیز، شخصی که به سن بلوغ نرسیده باشد به‌عنوان طفل شناخته می‌شود، چه این‌که بلوغ اصطلاحاً به ادراک و رسیدن به مرحله معینی از رشد جسمی و روانی اطلاق می‌گردد. (بیگی، ۱۳۸۸، صص ۵۲-۵۱)

از نظر اسناد بین‌المللی، برابر ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک «منظور از کودک، افراد انسانی زیر ۱۸ سال است، مگر این‌که طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ، کم‌تر تشخیص داده شود». بنابراین طبق این ماده کنوانسیون، تشخیص کودک، بستگی به قوانین داخلی هر کشوری دارد. درحالی‌که کنوانسیون حقوق کودک، اصطلاح «طفل ۱» را به کار برده، در اسناد بعدی از اصطلاح «نوجوان ۲» استفاده شده است. بند دوم ماده ۲ مقررات بیجینگ، نوجوان را چنین تعریف می‌کند: «نوجوان، کودک یا فرد جوانی است که در نظام حقوقی خاص، ممکن است به نحوی با او رفتار شود که متفاوت از نحوه رفتار با بزرگسالان باشد». مقررات بیجینگ، حد سنی را برای نوجوان تعیین نکرده است، اما بند اول ماده ۱۱ مقررات سازمان ملل برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی، اصطلاح نوجوان را چنین تعریف کرده است:

¹ - child.

² -juvenile.

« هر شخص زیر ۱۸ سال نوجوان نامیده می‌شود ». لذا اگرچه در اسناد بین‌المللی، الفاظ مختلفی به کار رفته، لیکن با عنایت به تعاریف یادشده، مقررات اسناد سازمان ملل متحد در این خصوص، مربوط به افراد تا ۱۸ سال است. (عباچی، ۱۳۸۰، ص ۳۱) در تعلق احکام و واجبات شرعی و مسئولیت‌های کیفری علاوه بر عقل، شرط بلوغ نیز لحاظ شده است. ادله بسیاری گواه این مطلب است؛ از جمله حدیث رفع قلم که به موجب آن کودکان در صورت ارتکاب هر جرمی مبرا از مسئولیت کیفری هستند تا زمانی که به بلوغ برسند. بنابراین در مسئولیت کیفری فقط بلوغ و عقل شرط است و از شرط رشد سخنی در منابع فقهی معتبر نیست. (مرادی، ۱۳۸۷، ص ۵۳)

در ایران، به تبعیت از ضوابط فقهی، در ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ آمده بود: « اطفال در صورت ارتکاب جرم، مبری از مسئولیت کیفری هستند... ». تبصره ۱ همین ماده اشعار می‌داشت: « منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد » و برابر تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی « سن بلوغ در پسر، ۱۵ سال تمام قمری و در دختر، ۹ سال تمام قمری است. » لذا در قانون مجازات اسلامی، مسئولیت کیفری با دو خصیصه احراز می‌شود: اول؛ « جنس » و دوم؛ « سن » اختصاص یافته به هر جنس. هم‌چنین عنوان کودک و نوجوان با یک عبارت کلی و عام به دو صیغه تعبیر می‌شود و جداسازی کودکان و نوجوانان، در قوانین فعلی ما موجود نیست. (نوربها، ۱۳۷۰، ص ۳۲) البته ناگفته نماند که به حکم ماده ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، سن بلوغ مشخص گردیده که در دختران ۹ و در پسران ۱۵ سال تمام قمری است و لذا با وجود صراحت این ماده، دیگر نیازی به رجوع به حکم تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی نخواهد بود.

اما تبصره ۱ ماده ۲۱۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری ۱۳۷۸، در بحث ترتیب رسیدگی به جرائم اطفال نیز بر تعریف طفل در قانون مجازات اسلامی و تعیین حد بلوغ شرعی برای پایان دوره طفولیت تأکید کرده بود. در پیش‌نویس قانون تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان که در حال حاضر در قوه قضائیه در دست بررسی است، هم مجدداً در ماده ۲ به تعریف مذکور، از طفل تکیه شده است. در این پیش‌نویس، لفظ « نوجوان » نیز مکرراً در کنار طفل به کار رفته است و در ماده ۹ هم اعلام شده که به کلیه جرائم اطفال و نوجوانانی که سن آن‌ها بیش از ۹ سال و کم‌تر از ۱۸ سال تمام خورشیدی است در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود. لذا بر اساس این پیش‌نویس، افراد ذکور ۱۵ تا ۱۸ ساله و اناث ۹ تا ۱۸ ساله نوجوان نامیده شده‌اند. هرچند به نظر می‌رسد در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ محتوای این لایحه به نوعی ذکر شده است بر اساس ماده ۳۰۴ قانون مذکور :

« به کلیه جرائم اطفال و افراد کمتر از هجده سال تمام شمسی در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود. در هر صورت محکومان بالای سن هجده سال تمام موضوع این ماده، در بخش نگهداری جوانان که در قانون اصلاح و تربیت ایجاد می‌شود، نگهداری می‌شوند.

تبصره ۱- طفل، کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده است .

تبصره ۲- هرگاه در حین رسیدگی سن متهم از هجده سال تمام تجاوز نماید، رسیدگی به اتهام وی مطابق این قانون در دادگاه اطفال و نوجوانان ادامه می‌یابد. چنانچه قبل از شروع به رسیدگی سن متهم از هجده سال تمام تجاوز کند، رسیدگی به اتهام وی حسب مورد در دادگاه کیفری صالح صورت می‌گیرد. در این صورت متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود، بهره‌مند می‌گردد «

بنابراین با توجه به مقررات بین‌المللی و نیز سیاست جنایی جدید ایران با توجه به قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲، رفتار خاصی را در قبال افراد تا ۱۸ سال سن در پیش گرفته‌اند. هرچند موضوع بحث ما در این نوشتار، افراد زیر سن بلوغ است.

۳- تحولات مسئولیت کیفری اطفال در مقررات ایران

۳-۱- مسئولیت کیفری اطفال در قوانین پیش از انقلاب

قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ به‌عنوان اولین قانون مجازات اسلامی افراد زیر ۱۸ سال را طفل می‌دانست و آن‌ها را به ۳ گروه مجزا تقسیم کرده بود:

- اطفال زیر ۱۲ سال که میرا از مسئولیت کیفری شناخته می‌شدند به عبارتی اطفال زیر دوازده سال مطابق ماده ۳۶ فاقد قوه تمییز فرض شده‌اند. فقدان قوه تمییز در خصوص اطفال زیر دوازده سال یک فرض یا اماره قانونی انکارناپذیر است ؛ یعنی، هیچ‌کس نمی‌تواند با ارائه دلایل مثبت درصدد اثبات قوه تمییز و رشد چنین طفلی برآید. قسمت اول ماده ۳۴ به‌طور قاطع ، صغار کمتر از دوازده سال تمام را معاف از مسئولیت و محکومیت جزایی اعلام داشته و مقرر کرده بود چنانکه این دسته از کودکان مرتکب جرمی شوند، باید از الزام به تأدیب ، تربیت و مواظبت در حسن اخلاق به اولیای قانونی خود تسلیم شوند.

- اطفال بین ۱۲ تا ۱۵ سال نیز مسئولیت کیفری نقصان یافته داشتند. یعنی مطابق ماده ۳۵ اطفال ممیز غیر بالغ که کمتر از پانزده سال تمام دارند ، مسئول محسوب شده. در صورت ارتکاب جنحه یا جنایت فقط به ۱۰ الی ۵۰ ضربه شلاق محکوم می‌شوند. پس شرط مسئولیت ، رسیدن به سن بلوغ نیست ؛ بلکه داشتن

قوه تمییز است. ماده ۳۵ در مورد جرائم خلافی اطفال دوازده تا پانزده ساله سکوت کرده است و صحیح است که بگوییم در این مورد مسؤلیتی برای آنان وجود ندارد و سکوت قانون به نفع متهم تفسیر می‌گردد.

- در مورد اطفال بالغ بین ۱۵ تا ۱۸ سال ، ماده ۳۶ مقرر می‌داشت : "هرگاه مرتکب جنایتی شوند مجازات ایشان کمتر از نصف حداقل و زیادتر از نصف حد اعلاای مجازات مرتکب همان جنحه نخواهد بود." رژیم پیش‌بینی‌شده در قانون مجازات عمومی برای مسئولیت کیفری اطفال بزهکار به شرح مقرر در مواد ۳۴ تا ۳۹ موکول به دو شرط گردیده بود ۱- تمییز ۲- بلوغ.

لازم به ذکر است که مواد ۳۷ ، ۳۸ و ۳۹ قانون مذکور برای گروه‌های مذکور تخفیفانی از جهت دادگاه صالح، عدم اعمال عوامل مشده کیفری و تأکید بر تعیین واقعی سن بلوغ (نه مبنای شناسنامه) قائل شده بود.

مسئولیت کیفری اطفال در قانون اصلاحی مجازات عمومی (۱۳۵۲) نیز تا حدی دچار تحولاتی شد. این قانون در واقع اصلاحیه‌ای بر قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ بود که به دنبال احساس نیاز به تغییر و تحول در این قانون به تصویب رسید. از خصایص مهم قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ این بود که به بهانه اثرپذیری از علوم و یافته‌های جدید خصوصاً رشته‌هایی مثل روان‌شناسی ، جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی از موازین شرعی کاملاً فاصله گرفته بود ، و آنچه از قانون سال ۱۳۰۴ رنگ و بوی شرعی داشت کنار گذاشته بود از جمله آن‌گونه که از بند دوم ماده ۳۳ قانون اصلاحی ۱۳۵۲ پیداست ، سن بلوغ در این قانون هجده‌سالگی تمام دانسته شده است ، زیرا در اینجا در مورد افراد تا هجده‌سالگی تمام از کلمه اطفال استفاده شد ، به‌علاوه در قانون سال ۱۳۵۲ مواردی از شدت گرایی در مورد جرائم اطفال مشاهده می‌گردد. فصل نهم این قانون حدود مسؤلیت جزایی بود که مواد ۳۳ الی ۳۶ آن به موضوع مسؤلیت اطفال اختصاص پیدا کرده بود و صدر ماده ۳۳ قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار را مأخذ اصلی در رسیدگی به جرائم اطفال قرار داده بودند ، مگر در نقاطی که کانون اصلاح و تربیت تشکیل نشده باشد که در این نقاط دادگاه اطفال مطابق مواد ۳۳ الی ۳۶ قانون ۱۳۵۲ عمل می‌کرد. ماده ۳۳ این قانون مقرر می‌داشت:

«نسبت به جرائم اطفال، دادگاه اطفال بزهکار تشکیل می‌شود و در نقاطی که کانون اصلاح و تربیت تشکیل شده است دادگاه اطفال بزهکار به ترتیب زیر عمل خواهد نمود:

الف) در مورد اطفالی که سن آن‌ها بیش از ۶ سال و تا ۱۲ سال تمام است در صورتی که مرتکب جرمی شوند به اولیاء یا سرپرست آنان با اخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق تسلیم می‌شوند و در مواردی که طفل فاقد ولی یا سرپرست است یا دادگاه سپردن طفل را به سرپرست یا ولی مناسب تشخیص ندهد یا به آنان دسترسی نباشد دادگاه مقرر خواهد داشت که دادستان طفل بزهکار را به یکی از

مؤسسات بنگاه‌های عمومی یا خصوصی که مناسب برای نگهداری و تربیت اطفال برای مدت یک تا شش ماه باشند بسپارد و یا اقدام و نظارت در حسن تربیت طفل را برای مدت مذکور به شخصی که مصلحت بداند، واگذار کند. هرگاه سرپرست یا ولی طفل که به او دسترسی ممکن نبوده مراجعه نماید، دادگاه در صورت احراز صلاحیت وی، طفل را با الزام به تأدیب به او خواهد سپرد.

ب) نسبت به اطفال بزهکار که بیش از ۱۲ و تا ۱۸ سال تمام دارند، دادگاه یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ خواهد نمود:

* تسلیم به اولیاء یا سرپرست با اخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل.

* سرزنش و نصیحت به وسیله قاضی دادگاه.

* حبس در دارالتأدیب از سه ماه تا یک ماه.

* حبس در دارالتأدیب از شش ماه تا یک سال در صورتی که طفل بیش از پانزده سال تمام نداشته و جرم از درجه جنایت باشد و تا هشت سال حبس در دارالتأدیب است. اگر مجازات آن جنایت اعدام یا حبس دائم باشد در این مورد مدت حبس در دارالتأدیب کمتر از دو سال نخواهد بود.

۲-۳- موضع قانون‌گذار ایران در قوانین پس از انقلاب

پس از پیروزی انقلاب اسلامی قوانین کیفری جمهوری اسلامی ایران دستخوش تغییرات عمده‌ای قرار گرفت که البته دلیل اصلی آن نیز تقید قانون‌گذار ایرانی به موازین شرعی و نظرات مشهور فقها بود. در زیر بخشی از این تغییرات مورد بررسی قرار می‌گیرند:

در سال ۱۳۶۱ قانون راجع به مجازات اسلامی مورد تصویب قرار گرفت که در ماده ۲۶ آن مقرر گشته بود: "اطفال در صورت ارتکاب جرم میرا از مسئولیت کیفری هستند و تربیت آنان به نظر دادگاه به عهده‌ی سرپرست اطفال و عندالاقضاء قانون اصلاح و تربیت می‌باشد." و در تبصره ۱ بیان شده بود که: "منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد"

نه سال بعد، یعنی در سال ۱۳۷۰ قانون مجازات اسلامی تصویب گردید. در این قانون نیز قانون‌گذار رویه‌ی سابق را در پیش گرفت و سن مسئولیت کیفری افراد را در ماده ۴۹ آن مساوی با حد بلوغ شرعی دانست، بر این اساس ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ مقرر داشت «اطفال در صورت ارتکاب

جرم، مبری از مسئولیت کیفری هستند» و تبصره همین ماده در تعریف طفل بیان می‌کند: « منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد»

قانون‌گذار در اینجا صرفاً به تعریف طفل پرداخته بود و به تبیین « بلوغ شرعی» نپرداخته بود ولی در رویه قضایی ملاک و مبنای بلوغ شرعی، ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی یعنی « سن بلوغ» در نظر گرفته می‌شد در حالی که این اجتهاد در مقابل نص « حد بلوغ شرعی» بود در حالی که مقنن عالما و آگاهانه اصطلاح « حد بلوغ شرعی» را آورده بود و این منطبق با مبانی فقهی بود.

با تصویب قانون جدید مجازات اسلامی مشاهده می‌شود که بار دیگر سن بلوغ (۹ سال و ۱۵ سال) معیار تعیین سن مسئولیت کیفری دانسته شده است.

انعطاف بیشتر قانون‌گذار در این خصوص ماده ۹۱ آن قانون می‌باشد. در مجموع می‌توان گفت قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نسبت به سایر قوانین پس از انقلاب گام‌های رو به جلویی را در خصوص حقوق اطفال معارض با قانون برداشته و واکنش‌های اجتماعی منصفان‌های را در مقابل آن‌ها به رسمیت شناخته، هرچند که علی‌رغم انتقادهای موجود از موضع خود در رابطه با ترادف سن مسئولیت کیفری و حد بلوغ شرعی کوتاه نیامده است! و با حفظ ظاهر شرع از سیاست سابق عدول کرده و سیاست جنایی و افتراقی جدیدی را اتخاذ نموده هرچند که در ظاهر بازگشت به سن بلوغ است. (پورقهرمانی، ۱۳۹۲، ۲)

۴- مسئولیت کیفری اطفال در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

۴-۱- رابطه مسئولیت کیفری و سن در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

هرزمانی شخص یا اشخاصی آن حد از تشخیص، توانایی و تمیز بین افعال و رفتار خویش را به دست آورده باشند و به بیانی دیگر ماهیت افعال مجرمانه خویش را درک نمایند مسئله واجد اهمیت بالایی خواهد بود، چراکه با تعیین سن مسئولیت کیفری و مبنا قرار دادن آن، مجازات نمودن فرد قبل از رسیدن به آن سن توجیه می‌گردد و لذا بعد از رسیدن فرد به سن مذکور روند تکامل مسئولیت کیفری وی آغاز می‌شود و آن زمان است طرف، مخاطب حقوق کیفری قرار می‌گیرد. (محقق هرچقان و علیرضا، ۱۳۹۰، ۵۷)

به‌صراحت ماده ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ معیار سن شروع مسئولیت کیفری ۹ سال تمام قمری در دختران و ۱۵ سال تمام قمری در پسران است و بدین شکل محرز می‌گردد که سن بلوغ به‌عنوان سن شروع مسئولیت کیفری در قانون کشورمان معرفی شده است و لذا افراد قبل از رسیدن به سنین

مذکور (حسب جنس) مسئولیت کیفری نداشته و اعمال مجازات علیه آنها به علت فقدان مسئولیت، شرعی و قانونی نخواهد بود.

در قانون مجازات سابق مصوب ۱۳۷۰ هر چند چنین معیاری نیز به رسمیت شناخته شده بود ولی از آن جهت که بین افراد تازه به سن بلوغ رسیده و افراد بزرگسال (که از لحاظ عقل و شعور به رشد کامل رسیده‌اند) در زمینه اعمال و اجرای کیفر هیچ‌گونه تفاوتی قائل نشده بود (فتحی، ۱۳۸۸، ۸۱) ایراد و اشکال اساسی وجود داشت چراکه در قانون فوق‌الذکر سن مذکور نه سن شروع مسئولیت کیفری بلکه سن مسئولیت کیفری تام محسوب و شخص به محض رسیدن به آن سن، دارای مسئولیت کامل کیفری بود (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۸، ۲۴) و با تفکیک جنسیتی در این خصوص دختران زودتر از پسران مسئولیت کامل کیفری می‌یافتند و شخص برای اعمال کیفر یک‌شبه از فقدان مسئولیت به مسئولیت تام کیفری مبدل می‌گشت. این در حالی بود که چنین نگرشی از سوی قانون‌گذار با این واقعیات که افراد تازه به سن بلوغ رسیده، دارای رشد عقلانی تام و کامل نبوده و سن در راستای تحقق و تشخیص مسئولیت کیفری صرفاً طریقیست دارد، در تضاد است. به عبارتی قانون‌گذار به این امر که ملاک مسئولیت نه صرفاً تشریحی بلکه مجموعه نشانه‌های تکوینی است و در راستای کشف مسئولیت موضوعیت ندارند توجهی ننموده بود. (مؤذن زادگان و همکاران، ۱۳۹۲، ۶)

این مسئله در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مورد بازبینی و دقت نظر مقنن قرار گرفته است و مسئله تساوی سن شروع مسئولیت کیفری و مسئولیت کیفری تام رد شده است و لذا مقنن در این خصوص تمام واقعیات اجتماعی و روانی را ملاک قرار داده و این نکته را پذیرفته که نوجوانان در زمان شروع مسئولیت کیفری توانایی کامل روانی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی برای پرهیز از اعمال و رفتار مجرمانه را ندارند و با به رسمیت شناختن مسئولیت کیفری تدریجی تا حدودی توانسته است اشکالات وارده به قانون قدیم را مرتفع نماید.

بدین ترتیب برخلاف قانون قبلی اشخاص (دختر و پسر) به محض رسیدن به سن شروع مسئولیت کیفری (۹ سال و ۱۵ سال تمام قمری) فاقد مسئولیت کیفری تام بوده و مسئولیت کیفری آنان تازه شروع و به تدریج تا سن ۱۸ سال شمسی کامل می‌گردد.

۲-۴- مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

بررسی مواد ۸۸ تا ۹۵ قانون مجازات اسلامی این نتیجه را عاید ما می‌کند که قانون‌گذار صرفاً سن شروع مسئولیت کیفری و نسبی بودن آن را تا ۱۸ سالگی شمسی بدون تبعیض جنسیتی در مجازات‌های

تعمیری پذیرفته است و فرد را بلافاصله وارد فضای مسئولیت کیفری کامل نمی‌نماید بلکه ابتدا مسئولیت کیفری نسبی یا نقصان یافته را اعمال می‌نماید. اما در مجازات‌های حدود و قصاص همچنان همانند قانون سابق سن شروع مسئولیت کیفری را به‌عنوان مسئولیت کیفری تام (۹ سال و ۱۵ سال تمام قمری) تلقی نموده است. به‌رحال اعمال این نوع از مسئولیت (نسبی یا نقصان یافته) مستلزم تعیین و گذشت مراحل است که پس از طی آن، در نهایت مسئولیت کیفری کامل اجرا می‌شود. قانون‌گذار بر اساس مواد ۸۸ تا ۹۵، جهت کامل شدن مسئولیت سه مرحله را بدین شکل «اطفال و نوجوانان بین ۹ تا ۱۵ سالگی تمام شمسی»، «نوجوانان بین ۱۲ تا ۱۵ سال تمام شمسی»، «نوجوانان بین ۱۵ تا ۱۸ سال شمسی» تعیین نموده است.

هیچ شک و شبهه‌ای در این نیست که اطفال کمتر از ۹ سال، مطلقاً فاقد مسئولیت کیفری‌اند و به‌طور کلی هیچ خطاب کیفری متوجه آنان نمی‌شود و وارد سیستم کیفری نمی‌شوند. (فتحی، ۱۳۸۸، ۹۰)

مرحله اول؛ اطفال و نوجوانان ۹ تا ۱۵ سالگی می‌باشند و در واقع همان اطفال نابالغ می‌باشند که بر اساس ماده ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی سن آن‌ها ۹ سال برای دختران و ۱۵ سال تمام قمری برای پسران تعیین شده است منتها در خصوص اعمال مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی برحسب اینکه این افراد مرتکب جرم تعزیری یا موجب حد یا قصاص می‌شوند، تفاوت‌هایی وجود دارد که در ماده ۱۸۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ذکر شده است.

۱. «درباره اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرائم تعزیری میشوند و سن آنها در زمان ارتکاب، نه تا پانزده سال تمام شمسی است حسب مورد، دادگاه یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ میکند:

- الف- تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان تبصره- هرگاه دادگاه مصلحت بداند می‌تواند حسب مورد از اشخاص مذکور در این بند تعهد به انجام اموری از قبیل موارد ذیل و اعلام نتیجه به دادگاه در مهلت مقرر را نیز اخذ نماید:
 - 1- معرفی طفل یا نوجوان به مددکار اجتماعی یا روانشناس و دیگر متخصصان و همکاری با آنان
 - 2- فرستادن طفل یا نوجوان به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه‌آموزی
 - 3- اقدام لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل یا نوجوان تحت نظر پزشک
 - 4- جلوگیری از معاشرت و ارتباط مضر طفل یا نوجوان با اشخاص به تشخیص دادگاه
 - 5- جلوگیری از رفت و آمد طفل یا نوجوان به محلهای معین
 - ب- تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که دادگاه به مصلحت طفل یا نوجوان بداند یا الزام به انجام دستورهای مذکور در بند(الف) در صورت عدم صلاحیت والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان و یا عدم دسترسی به آنها با رعایت مقررات ماده(۱۱۷۳) قانون مدنی تبصره- تسلیم طفل به اشخاص واجد صلاحیت منوط به قبول آنان است.
 - پ- نصیحت به وسیله قاضی دادگاه
 - ت- اخطار و تذکر و یا اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم
 - ث- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال در مورد جرائم تعزیری درجه یک تا پنج
- تبصره ۱- تصمیمات مذکور در بندهای(ت) و(ث) فقط درباره اطفال و نوجوانان دوازده تا پانزده سال قابل اجرا است. اعمال مقررات بند(ث) در مورد اطفال و نوجوانانی که جرائم موجب تعزیر درجه یک تا پنج را مرتکب شده‌اند، الزامی است.
- تبصره ۲- هرگاه نابالغ مرتکب یکی از جرائم موجب حد یا قصاص گردد در صورتی که از دوازده تا پانزده سال قمری داشته باشد به یکی از اقدامات مقرر در بندهای(ت) و(ب) (ث) محکوم می‌شود و در غیراین صورت یکی از اقدامات مقرر در بندهای(الف) تا (پ) این ماده در مورد آنها اتخاذ می‌گردد.
- تبصره ۳- در مورد تصمیمات مورد اشاره در بندهای(الف) و(ب) این ماده، دادگاه اطفال و نوجوانان می‌تواند با توجه به تحقیقات به عمل آمده و همچنین گزارش‌های مددکاران اجتماعی از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او، هر چند بار که مصلحت طفل یا نوجوان اقتضاء کند در تصمیم خود تجدیدنظر نماید»

لذا با توجه به مفاد ماده ۸۸ قانون فوق الا شعار و بندهای آن می‌توان سیاست خاص مقنن را نسبت به اطفال و نوجوانان ۹ تا ۱۵ سال تمام شمسی با توجه به تدابیر معین مخصوص آنها استنباط نمود و این سیاست اتخاذی کاملاً حمایتی است و مجازات از باب تربیت و حفاظت است.

دومین مرحله؛ اطفال و نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ سالگی است.

دومین مرحله سنی در اعمال مسئولیت کیفری نسبت به افراد ۹ تا ۱۵ سالگی پیش‌بینی بازه سنی ۱۲ تا ۱۵ سال تمام شمسی است که قانون‌گذار در تبصره ۱ ذیل بند «ث» دو مورد از تدابیر و تصمیمات پنج‌گانه را به این اشخاص اختصاص داده است:

« تبصره ۱- تصمیمات مذکور در بندهای (ت) و (ث) فقط درباره اطفال و نوجوانان دوازده تا پانزده سال قابل اجرا است. اعمال مقررات بند (ث) در مورد اطفال و نوجوانانی که جرائم موجب تعزیر درجه یک تا پنج را مرتکب شده‌اند، الزامی است.»

سومین مرحله نوجوانان بین ۱۵ تا ۱۸ سالگی شمسی است.

قانون‌گذار در ماده ۸۹ سومین مرحله‌ای که بین عدم مسئولیت کیفری و مسئولیت کیفری کامل قائل شده، تعیین بازه سنی بین پانزده تا هجده سال تمام شمسی است.^۱ این مرحله آخرین مرحله اعمال مسئولیت کیفری نقصان یافته نسبت به نوجوانان است. در واقع مقنن خواسته است تا در طی سه بازه زمانی، فرد تازه‌بالغ را به وظایف و نتایج کیفری اعمال خود، آگاه ساخته و برای تحمل مسئولیت کیفری تمام و کامل به تدریج آماده نموده تا در نهایت نسبت به چنین فردی پس از هجده سالگی، مجازات کامل در مقابل مسئولیت کامل وی اعمال نماید. صدر ماده ۸۹ چنین اشعار می‌دارد: "درباره نوجوانانی که مرتکب جرم تعزیری می‌شوند و سن آنها در زمان ارتکاب، بین پانزده تا هجده سال تمام شمسی است مجازات‌های زیر اجرا می‌شود. . .". همچنانکه بوضوح از ماده فوق برمی‌آید، برخلاف ماده ۸۸، اولاً این ماده صرفاً بر

۱. « درباره نوجوانانی که مرتکب جرم تعزیری میشوند و سن آنها در زمان ارتکاب، بین پانزده تا هجده سال تمام شمسی است مجازات‌های زیر اجرا می‌شود:

الف- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از دو تا پنج سال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه یک تا سه است.

ب- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از یک تا سه سال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه چهار است.

پ- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال یا پرداخت جزای نقدی از ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا انجام یکصد و هشتاد تا هفتصد و بیست ساعت خدمات عمومی رایگان در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه پنج است.

ت- پرداخت جزای نقدی از یک میلیون (۱,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا انجام شصت تا یکصد و هشتاد ساعت خدمات عمومی رایگان در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه شش است.

ث- پرداخت جزای نقدی تا یک میلیون (۱,۰۰۰,۰۰۰) ریال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه هفت و هشت است.

تبصره ۱- ساعات ارائه خدمات عمومی، بیش از چهار ساعت در روز نیست.

تبصره ۲- دادگاه می‌تواند با توجه به وضع متهم و جرم ارتكابی، به جای صدور حکم به مجازات نگهداری یا جزای نقدی موضوع بندهای (الف) تا (پ) این ماده، به اقامت در منزل در

ساعاتی که دادگاه معین میکند یا به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت در دو روز آخر هفته حسب مورد برای سه ماه تا پنج سال حکم دهد.»

حالی که این اجتهاد در مقابل نص «حد بلوغ شرعی» بود در حالیکه مقنن عالما و آگاهانه اصطلاح «حد بلوغ شرعی» را آورده بود و این منطبق با مبانی فقهی بود. و در قرآن کریم هم ملاک بلوغ نکاح ۱ و بلوغ جنسی (بلوغ حلم) ۲ مدنظر قرار گرفته است نه سن معین و مشخص. و نیز بر اساس نظر اکثر فقهای امامیه بلوغ یک امر طبیعی و تحول زیستی در انسان است که همراه با تغییرات فیزیولوژیکی و نیز تحولی در درک و فهم عقلانی است که در دختران و پسران با ظهور علائمی مشخص می شود (روحانی، مهرپور، ۱۳۹۱، صص ۲۱۰-۲۷۷). و لذا سن خاصی نمی تواند مبنای بلوغ باشد بلکه به نظر یک امر نسبی است که بر اساس اوضاع و احوال مختلف، ممکن بود افرادی در سنین واحد، وضعیتهای متفاوتی داشته باشند. روانشناسان، بلوغ را دورانی می دانند که با علائم جسمی و جنسی آغاز و با رشد عقلی به کمال می رسد و تعادلی میان رشد جسمی و رشد عقلی فرد به وجود می آید. در نظامهای مختلف حقوقی جهان، سن رشد کامل عقلی را معمولاً بین ۱۸ تا ۲۵ سال حسب شرایط مختلف جغرافیایی و فرهنگی در نظر گرفته اند. در ایران نیز اکثر حقوقدانان و روانشناسان، سن ۱۸ سالگی را آماره رشد تلقی کرده اند. آیا برخورداری از مسئولیت کامل کیفری منطقی در گروهی برخورداری از رشد کامل عقلی فرد است؟ و آیا می توان در فاصله میان بلوغ تا مسئولیت کیفری، قائل به یک دوره بینابینی شد که در آن فرد دارای مسئولیت نسبی باشد؟ گرچه نظر اکثریت قاطع فقهای عظام بر آن است که بلوغ شرعی در پسران ۱۵ سالگی و در دختران ۹ سالگی است، اما آیا ملاک همه مسئولیتها می تواند همین بلوغ باشد؟ طبق نظر برخی از فقها «احراز حقوق و مسئولیتها در مسائل اقتصادی و مالی و جزایی نیاز به رشد برای آن موضوعات دارد» و «حکومت اسلامی می تواند بر اساس مصالح جامعه اسلامی، مقررات لازم را تصویب نماید و با در نظر گرفتن مراتب رشد و مصلحت جامعه قانون وضع کند». «یکی از مسائل قابل بحث، تبعیض میان دختران و پسران در تعیین سن مسئولیت کیفری و یا اهلیت قانونی است، که نیاز به بررسی عمیق تری دارد. وقوع احتمالی حیض در ۹ سالگی یک دختر، به هیچ وجه به معنای قدرت عقلی بالاتر او نسبت به یک پسر ۱۴ ساله نیست. هیچ یک از نظامهای حقوقی کشورهای غیر اسلامی جهان و نیز در اکثر کشورهای اسلامی در امر تعیین سن مسئولیت کیفری تفاوتی میان پسران و دختران قائل نشده اند. حتی کشورهایی که نصاب سنی برای مسئولیت کیفری را پایین تر از ۱۸ سال تعیین کرده اند، تفاوتی میان دختر و پسر در احراز مسئولیت قائل نشده اند» ۳.

۱- آیه ۶ سوره نساء

۲- آیات ۵۹-۵۸ سوره نور، آیه ۱۵۲ سوره انعام، آیه ۳۴ سوره اسراء، آیه ۸۲ سوره کهف، آیه ۵ سوره حج، آیه ۶۷ سوره غافر، آیه ۱۵ سوره احقاف، آیه ۲۲ سوره یوسف، آیه ۱۴ سوره قصص

۱- سن مسئولیت کیفری در برخی کشورها (به نقل از هاشمی، ۱۳۸۳)

۷ سال	در	استرالیا، آمریکا، آفریقای جنوبی، ایرلند، اردن، تایلند، نیجریه، هند، مصر، زامبیا، غنا، گرانادا، کویت، لبنان، لیبی، مالای، مالدیو، میانمار، قطر، سوئیس، سوریه، ترینیداد، توباگو، اوگاندا.
۹ سال	در	امارات، اتیوپی، عمان، مالت،
۱۰ سال	در	انگلستان، اکراین، کامرون، فیجی، جزیره مارشال، زلاندنو، عربستان سعودی، سیرالئون
۱۱ سال	در	ترکیه
۱۲ سال	در	اسپانیا، پرو، دومینکن، فلسطین، اشغالی، گواتمالا، هاندوراس، هلند، یونان
۱۳ سال	در	الجزایر، ازبکستان، بوركینافاسو، بروندي، چاد، جیبوتی، فرانسه، گابن، لهستان، مالی، موناکو، نیکاراگوئه، نیجریه، تونس

علی‌رغم آنکه آموزه‌های دینی و تحقیقات علمی گویای آن است که دختران بیشتر از پسران در معرض تحریکات عاطفی و احساسی می‌باشند و پسران رشد عقلی و حتی دارای وزن مغزی بیشتری هستند و علی‌رغم آنکه مسئولیت‌های سنگین سیاسی، اجتماعی و قضایی بیشتر به مردان واگذار می‌شود تا زنان، پس چگونه است که مسئولیت مدنی و کیفری دختران در سنینی کمتر از پسران تحقق می‌یابد؟ آیا تکلیف و مسئولیت در حدّ وسع جسمی و عقلی افراد نیست (لایکف‌الله نفساً الاّ وسعها) پس چگونه دختران در سنّ ۹ سالگی می‌توانند مسئولیت کامل کیفری داشته باشند، ولی پسران در سنّ کمتر از ۱۵ سال این مسئولیت را برعهده نخواهند داشت؟

با این همه پذیرش سن بلوغ به عنوان سن مسئولیت کیفری این اشکال را ایجاد می‌کرد که اگر یک دختر ۱۰ ساله مرتکب جرمی است که مجازات آن سالب حیات باشد منعی برای آن طبق مقررات وجود نداشت و این در حالی بود که مقنن ارزش و اهمیت امور مالی را بیشتر از تحمیل مجازات بر یک فرد می‌دانست که در آنجا مبنای رشد ۱۸ سال را مورد پذیرش قرار داده است. با توجه به انتقادات کثیری (شاگری، ۱۳۸۴: ص ۵۶) که علیه سن یا حد بلوغ (خصوصاً سن بلوغ دختران) در قانون سابق مطرح شده بود قانون جدید مجازات اسلامی از سیاست سابق خود با حفظ ظاهر شرع عدول کرد و سیاست جنایی و افتراقی جدیدی را اتخاذ کرد که هر چند در ظاهر امر بازگشت به «سن بلوغ» است.

۲-۳-۴- بازگشت به سیاست «سن بلوغ»

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ برای اولین بار در مقام بیان شرایط مسئولیت کیفری در ماده ۱۴۰ مقرر نموده است:

«مسئولیت کیفری در حدود، قصاص و تعزیرات تنها زمانی محقق می‌شود که فرد در حین ارتکاب جرم عاقل، بالغ و مختار باشد...»

مفهوم مخالف ماده این است که در صورتی که مرتکب در حین ارتکاب جرم نا بالغ باشد فاقد مسئولیت کیفری است و این همان موضوعی است که ماده ۱۴۶ ق.م.ا مقرر نموده است: «افراد نا بالغ مسئولیت کیفری ندارند» و اینکه «نا بالغ» به چه کسی اطلاق می‌شود مقنن به تبعیت از فقه و قانون مدنی به صورت

۱۴ سال در آلمان، آذربایجان، اتریش، ایتالیا، ارمنستان، بلغارستان، پاراگوئه، ژاپن، چین، روسیه، گرجستان، مجارستان، قرقیزستان، لیتوانی، لیتوانی، مولداوی، مقدونیه ۱۵ سال اسلواکی، جمهوری چک، دانمارک، سوئد، فنلاند، نروژ ۱۶ سال اندورا، بلژیک، بولیوی، پرتغال، شیلی، کوبا، کنگو، گینه بیسائو، جزایر میکرونزی، موزامبیک ۱۸ سال اکوادور، کلمبیا، گینه، ونزوئلا البته در بعضی از ایالت‌های آمریکا حتی «سن ۶ سالگی به عنوان سن مسئولیت کیفری تعیین شده است! اگرچه در بیشتر ایالت‌ها از قانون «کامن لا» تبعیت می‌شود که بر اساس آن کودکان از ۷-۱۴ سالگی مسئولیت کیفری ندارند، ولی در شرایطی دادگاه می‌تواند برای این دسته از اطفال نیز مسئولیت کیفری قائل شده و حکم به محکومیت آنان دهد.

واضح و بدون ابهام مقرر نموده است که « سن بلوغ در دختران و پسران به ترتیب نه و پانزده سال تمام قمری است » آنچه که از موارد فوق بصورت واضح قابل استنباط است اینکه مقنن از سیاست « حد بلوغ شرعی » عدول نموده است و دوباره همانند قانون اسبق (قانون مجازات عمومی) به سیاست «سن بلوغ» روی آورده است و بر این اساس افراد نا بالغ که فاقد مسئولیت کیفری هستند بر اساس ماده ۱۴۸ ق.م.ا در مورد آنها اقدامات تامینی و تربیتی اعمال می شود .

قانون جدید مجازات فصل دهم را به مجازاتها و اقدامات تامینی و تربیتی اطفال و نوجوانان (مواد ۸۸ تا ۹۵) اختصاص داده است و با نگاه اجمالی به مسئولیت کیفری افراد در این باب ملاحظه می شود که مقنن به نوعی نه تنها اطفال را بلکه نوجوانان را هم مشمول قواعد اطفال دانسته است و علاوه بر آن مشخص می شود که مقنن در واقع برای اشخاص زیر ۱۸ سال مسئولیت تام کیفری قائل نشده است و از مسئولیت نقصان یافته استفاده کرده است و این در حالی است که ماده ۱۴۶ قانون مجازات اسلامی فقط افراد نا بالغ را فاقد مسئولیت کیفری دانسته است که علیرغم نظر برخی (فتوحی، ۱۳۸۸:ص ۱۰۲) این تعارض آشکار بین مواد یک قانون غیر قابل توجیه است . ونیز در کنار آن بین سنین و جرایم مختلف، تفاوت گذاشته شده است که تاسیس مبانی مختلف در جرایم مختلف به نظر قابل قبول نیست. درست است که تعزیرات در اختیار حاکم است ولی این امر سبب نمی شود که سن مسئولیت کیفری هم مورد دخالت قرار گیرد و بین جرایم تفاوت گذاشته شود.

۳-۳-۴- سیاست تساوی یا سیاست تبعیض در جرایم تعزیری

مقنن در ماده ۸۸ ق.م.ا در زیر عنوان «مجازاتها و اقدامات تامینی و تربیتی اطفال و نوجوانان» مقرر نموده است که « درباره اطفال و نوجوانی که مرتکب جرایم تعزیری می شوند و سن آنها در زمان ارتکاب نه تا پانزده سال تمام شمسی است حسب مورد دادگاه یکی از تصمیمات ذیل را اتخاذ کند»

همانطور که ملاحظه می شود این ماده قابلیت اعمال برای جرایم تعزیری را دارد و اعمال این اقدامات را برای افراد «نه و پانزده سال تمام شمسی» شناخته شده است و فرقی بین دختر و پسر قائل نشده است و آوردن «نوجوانان» در کنار «اطفال» به همین دلیل بوده است که چون دختر نه سال به بالا طفل محسوب نمی شود بلکه به اصطلاح مقنن « نوجوان» محسوب می شود

اینکه قانون گذار سن را از وضعیت «قمری» به «شمسی» تغییر داده است این مساله به اصطلاح مثل یک بام و دو هواست و اینکه مبنای این تغییر و عدول چیست ؟ و مقنن بر چه اساسی این تغییر را ایجاد کرده است در عمل محاکم را با مشکلات مواجه می کند . از این مساله که بگذریم مقنن مبنای اعمال این

ماده را (نه تا پانزده سال تمام شمسی) دانسته است این مبنا در مورد اطفال پسر با توجه به شرایط مسئولیت کیفری مطابق اصول است و در مورد اطفال دختر که نه سال تمام شمسی مد نظر گرفته است به نظر از اصول کلی فقهی و قانونی عدول شده است بر اساس این ماده (ماده ۸۸) دختر بالغ که بر اساس ماده ۱۴۶ ق.م.ا که باید مجازات داشته باشد فاقد مسئولیت کیفری شناخته شده است و این در حالی است که برای اطفال پسر که غیر بالغ هستند این اقدامات اجرا می‌شود و این تغییر موضع کاملا بر عکس سیاست کیفری قانون سابق است که تساوی سن مسئولیت کیفری دختر و پسر مطرح می‌شود و حال این بار نوبت پسران است که شعار تبعیض را مطرح کنند.

اگر نگاه دقیقی به ماده داشته باشیم دختر غیر بالغ تقریبا فاقد مسئولیت است و حتی اقدامات تامینی و تربیتی اعمال نمی‌شود و این در حالی است که در مورد اطفال پسر که (نه تا پانزده سال) هستند اقدامات تامینی و تربیتی که بعضا حالت مجازات دارند قابلیت اجرایی دارند! حال جالب این است که مقررات بند (ت) و (ث) در مورد اشخاص زیر ۱۲ سال قابلیت اجرایی ندارند برگشت به سیاست «سن بلوغ» به نظر می‌رسد در ظاهر قانون است و در واقع اطفال دختر هم بعد از سن بلوغ تا ۱۵ سالگی فاقد مسئولیت کیفری هستند حال این مساله بر چه مبنایی نگاشته شده است؟! آیا مقررات فقهی شرع چنین اجازه ای را می‌دهد؟! آیا مسائل بین المللی سبب می‌شود که ما از مقررات شرعی و فقهی خود عدول کنیم؟!

سیاست تبعیض به اینجا ختم نمی‌شود مرتکبان جرایم تعزیری که سن ۱۵ تا ۱۸ سال تمام شمسی داشته باشند فقط این اقدامات در مورد آنها قابل اجرا است و فرقی بین دختر و پسر نیست و در اینجا هم مشخص می‌شود که اولاً اشخاص زیر ۱۸ سال اعم از دختر و پسر بر خلاف مبانی فقهی و قانونی مسئولیت کیفری تام ندارند و ثانياً، مرتکبان دختر بیشتر از مرتکبان پسر مشمول اقدامات تامینی و تربیتی قرار می‌گیرند که این سیاست به نظر قابل توجیه نیست و افراطی است.

۴-۳-۴- سیاست سن قمری در جرایم مستوجب حد و قصاص

علیرغم وجود ماده ۱۴۶ ق.م.ا تبصره ۲ ماده ۸۸ قانون مذکور مقرر نموده است که: «هرگاه نا بالغ مرتکب یکی از جرایم موجب حد یا قصاص می‌گردد در صورتی که از ۱۲ تا ۱۵ سال تمام قمری داشته باشد به یکی از اقدامات مقرر در بندهای (ت) و (یا) محکوم می‌شود. و در غیر این صورت یکی از اقدامات مقرر در بند (الف) تا (پ) این ماده در مورد آنها اتخاذ می‌گردد»

همانطور که ملاحظه می‌شود قانون‌گذار خواسته است در جرایم حدی و یا قصاص مبنای شرعی را رعایت کند و سن مسئولیت کیفری را بر اساس سال قمری ذکر نموده است. و در کنار آن اعمال اقدامات تامینی

وتربیتی را حد اقل سن یعنی ۱۲ تا ۱۵ سال مقرر نموده است. به نظر می رسد که اولاً، در این تبصره غیر از تغییر وضعیت «شمسی» به «قمری» مقنن تفاوتی بین تعزیرات و جرایم موجب حد یا قصاص قائل نشده است و صدر تبصره ۲ همانند صدر تبصره ۱ است یعنی اینکه در تمام جرایم که مرتکب ۱۲ تا ۱۵ سال (قمری و یا شمسی) داشته باشد فقط بندهای «ت» و «یا» قابل اجرا است. در جرایم مستوجب حد و یا قصاص از سن ۱۲ سال به پایین (۹ سال یا پایینتر از آن) اقدامات بندهای «الف» تا «پ» قابل اجرا است. از اینجا این نتیجه گرفته می شود که دختر بالغ که سن آن ۹ سال تا ۱۲ سال باشد و مرتکب جرایم مستوجب حد یا قصاص شود مجازاتهای حدی یا قصاصی قابلیت اجرایی ندارند و این در مورد اطفال پسر مطابق اصول ومقررات است در حالی که اجرای آن در مورد دختران زیر ۱۵ سال آن هم جرایم مستوجب حد یا قصاص قابل تامل است؟! و این در حالی است که پسری که ۱۵ سال تمام که جدیداً وارد سن بلوغ شده است می تواند مسئولیت کیفری داشته باشد در حالیکه دختر از زمان سن بلوغ تا سن ۱۵ سالگی از معافیت‌های غیر بالغ بودن پسر استفاده می کند. و ثانیاً، مگر نوع جرم می تواند موثر در سن مسئولیت کیفری باشد که مقنن در اینجا این سیاست را اتخاذ کرده است!؟

علاوه بر موارد فوق، مقنن در ماده ۹۱ مقرر نموده است: «در جرائم موجب حد یا قصاص هرگاه افراد بالغ کمتر از هجده سال، ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آنها به مجازات‌های پیش‌بینی شده در این فصل محکوم می‌شوند.

تبصره- دادگاه برای تشخیص رشد و کمال عقل می‌تواند نظر پزشکی قانونی را استعلام یا از هر طریق دیگر که مقتضی بداند، استفاده کند» در اینجا مقنن راه فرار و گریزی را برای مجرمین قرار داده است که آن هم به تشخیص دادگاه است و در کنار آن درک نکردن ماهیت جرم انجام شده یا حرمت عمل یک امر نسبی است و معلوم نیست که مقیاس سنجش آن چیست و بر چه مبنایی است؟! شاید در رشد و کمال عقل نظر پزشکی قانونی استعلام می‌شود و در درک ماهیت جرم و یا حرمت عمل این به تشخیص دادگاه است. حال شاید در مورد بزهکاری پسری که تازه به سن بلوغ رسیده است امکان تردید و شبهه در رشد کیفری وجود داشته باشد ولی در مورد دختر بزهکاری که از ۹ سال به بعد تا ۱۵ سال از معافیت استفاده می کند دیگر چه ضرورتی و تردیدی و چه شبهه ای در کمال عقل یا عدم درک ماهیت جرم یا حرمت عمل وجود دارد و این به نظر اتخاذ یک سیاست افراطی است. چراکه هر شخص بر اساس شخصیت خویش و بر اساس وضعیت جسمی و فیزیولوژیک به سن بلوغ می رسد که در دختر و پسر هم این امر متفاوت و متغیر است و قیاس آنها به یک میزان قابل توجیه نبوده و مع الفارق است.

موضوع دیگر به جرایم مستلزم پرداخت دیه بر می‌گردد که دادگاه اطفال و نوجوانان بر اساس ماده ۹۲ صرفاً حکم به پرداخت دیه موظف شده است. و فرقی بین مرتکبان دختر و پسر قائل نشده است. حال این سوال مطرح می‌شود که اگر فرد مسلمان ۱۷ ساله مرتکب قتل غیر مسلمان شود یا مرتکب قتل مجنونی شود بر اساس ماده ۹۲ باید صرفاً دیه پرداخت شود در حالیکه هیچ اقدام تعزیری مندرج در ماده ۳۰۵ یا مواد دیگر نخواهد شد و حتی مستلزم اقدامات تامینی و تربیتی اطفال و نوجوانان نخواهد شد که آیا این سیاست کیفری در برخورد با بزهکاران نوجوان غیر از اینکه افراطی است موضوع دیگری را بیان نمی‌کند.

سیاست افتراقی و افراطی دیگر مقنن به فقدان آثار کیفری محکومیت‌های کیفری اطفال و نوجوانان است که البته این امر در مورد اطفال صحیح و مطابق اصول می‌باشد ولی در مورد نوجوانان این امر غیر قابل اغماض است. و این زمینه ایجاد سوء استفاده چنین افرادی خصوصاً در جرایم ویژه ای به خصوص مواد مخدر را فراهم می‌کند در حالیکه نه مجازات اصلی بر آنها باز خواهد شد و نه مجازات تکمیلی و حتی تبعی، و از این گشاده دستی قانون‌گذار در مورد نوجوانان قابل تامل بوده و پیامدهای منفی را به دنبال خواهد داشت و در کل می‌توان گفت که مجازات‌های اصلی و تکمیلی و تبعی برای اشخاص بالای ۱۸ سال می‌باشد.

۵-۳-۴- سیاست متعارض در نظام حقوقی واحد

علیرغم اینکه قبول کرد که قانون‌گذار خواسته است تحول جدیدی درمسئولیت کیفری اطفال ایجاد کند ولی به نظر می‌رسد که مقنن دچار تعارض گویی‌هایی در قوانین ماهوی و شکلی متعدد شده است بر اساس ماده ۳۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲:

«به کلیه جرائم اطفال و افراد کمتر از هجده سال تمام شمسی در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود. در هر صورت محکومان بالای سن هجده سال تمام موضوع این ماده، در بخش نگهداری جوانان که در کانون اصلاح و تربیت ایجاد می‌شود، نگهداری می‌شوند.

تبصره ۱- طفل، کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده است.
تبصره ۲- هرگاه در حین رسیدگی سن متهم از هجده سال تمام تجاوز نماید، رسیدگی به اتهام وی مطابق این قانون در دادگاه اطفال و نوجوانان ادامه می‌یابد. چنانچه قبل از شروع به رسیدگی سن متهم از هجده سال تمام تجاوز کند، رسیدگی به اتهام وی حسب مورد در دادگاه کیفری صالح صورت می‌گیرد. در این صورت متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود، بهره‌مند می‌گردد.»

همانطور که ملاحظه می‌شود مقنن مبنای طفل را در اینجا «حد بلوغ» مطرح کرده است نه «سن بلوغ» و به هر حال اولاً این شبهه ایجاد می‌شود که این دو قانون را مراجع قانونگذاری مختلف تصویب کرده است! و ثانیاً مراجع قضایی را با مشکلاتی مواجه می‌کند.

نتیجه گیری و پیشنهادات

جرم و مجازات دو نهاد مهم جزایی‌اند که به دو شکل متفاوت با مرتکب جرم ارتباط پیدا می‌کنند، یکی از مرتکب صادر و دیگری بر مرتکب تحمیل و پل ارتباطی این دو عنوان، مسئولیت کیفری می‌باشد که قبول آن مستلزم وجود ارکان و شرایطی می‌باشد که با جمع آن‌ها فرد غیر مسئول از لحاظ کیفری، مسئول تلقی شده و باید در مقابل قانون بخاطر انجام عمل مجرمانه پاسخگو باشد و یکی از مهمترین مولفه‌ها برای تحقق مسئولیت کیفری «سن» مرتکب می‌باشد. بررسی قوانین کیفری مدرن نشانگر این واقعیت ملموس است که اشخاص نابالغ از مسئولیت کیفری مبری بوده ولی به محض رسیدن به سن بلوغ جسمی، عقلی وارد دنیای پر تلاطم مسئولیت کیفری شده و در قبال رفتارهای مجرمانه خویش باید پاسخگو باشند. در واقع به عنوان مخاطبان حقوق کیفری اضافه خواهند شد.

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در زمینه سن مسئولیت کیفری همان عبارات ماده ۴۹ ق.م.ا. مجدداً به کار گرفته شده و سن بلوغ شرعی ۹ و ۱۵ سال قمری به منزله سن مسئولیت کیفری پذیرفته شده است. حال آنکه در مقام اعمال واکنش کیفری، به سمت نظام مسئولیت تدریجی و حقوق عرفی گرایش پیدا کرده است. از طرفی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مسئولیت کیفری اطفال را از وضعیت حد بلوغ به سن بلوغ با حفظ مقررات شرع تغییر داده است در حالی که با بررسی مقررات مربوط به مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان مشخص می‌شود که اولاً، بین سن مسئولیت کیفری دختر و پسر تفاوتی وجود ندارد که این تعارض آشکار با نص مواد ۱۴۶ و ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی است. ثانیاً، سن تام مسئولیت کیفری نه تنها بلوغ نیست بلکه سن ۱۸ سال ملاک عمل است که این برخلاف مبانی فقهی و حقوقی است. در کنار آن مقنن بین جرایم تعزیر و حدود-قصاص از لحاظ شمسی و قمری تفاوت قائل شده است که باید گفت که نوع جرم نباید تعیین کننده مسئولیت کیفری باشد و علاوه بر آن شخصیت دختر و پسر به لحاظ طبیعت خاص آن‌ها متفاوت است و لذا اصرار برای تساوی سن مسئولیت و عین هم بودن درست نیست ولی واقعی کردن سن بلوغ و به تبع آن سن مسئولیت کیفری امری پسندیده است. و در نهایت باید گفت که مقنن در زمینه مسئولیت کیفری به سیاست مقنن قبل از انقلاب برگشته است که سیاست سن مسئولیت کیفری را در سنین مختلف اتخاذ کرده بود که همان بازگشت به سیاست سن بلوغ از سیاست حد بلوغ (قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰) می‌باشد.

پیشنهادات

- پیشنهاد می‌شود که قانون‌گذار یک رویه ثابتی را برای مسئولیت کیفری اتخاذ کند یعنی سن بلوغ یا حد بلوغ ولی از همه اینها بهتر است که مقنن ملاک سن ۱۸ سال را با توجه به اسناد بین‌المللی اتخاذ کند تا از رویه‌های متعدد و اعمال سلیقه‌های مختلف در جرایم مختلف پیشگیری شود.

- ارتباط بلوغ جنسی و رشد عقلی و تفکیک بلوغ جنسی از رشد کیفری باید مورد توجه قانون‌گذار قرار گیرد. همان‌طور که این روش در امور مدنی مورد توجه قرار گرفته و مقررات ایران بین اهلیت مدنی در امور مالی با بلوغ جنسی تفکیک قائل شده است.

- نوع جرایم نباید تعیین‌کننده شرایط مسئولیت کیفری باشد بلکه شرایط مسئولیت کیفری تابع امور واحد و یکسانی باشد و از طرفی واقعی کردن سن مسئولیت کیفری باید مورد توجه قانون‌گذار قرار گیرد.

فهرست منابع و مآخذ

- (۱) اردبیلی، محمدعلی، **حقوق جزای عمومی**، جلد اول، تهران: میزان، ۱۳۸۳
- (۲) پورقهرمانی، بابک، تاملی برمسئولیت کیفری اطفال در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ از سیاست تفریطی تا سیاست افراطی، **کنفرانس ملی سیاست کیفری ایران در قبال بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان**، کرمان: دانشگاه تحصیلات تکمیلی صنعتی و فناوری پیشرفته، ۱۳۹۲
- (۳) روحانی، حسن؛ مهرپور، حسین، **سن اهلیت و مسئولیت قانونی**، چاپ اول، انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک، تهران، ۱۳۹۱
- (۴) شاکری، طوبی، بررسی خلائای قانونی حقوق کودک (۲)، چاپ اول، انتشارات شورای فرهنگی و اجتماعی زنان، تهران، ۱۳۸۴
- (۵) شامبیاتی، هوشنگ، **حقوق جزای عمومی**، جلد دوم، تهران: نشر مجد، ۱۳۹۲
- (۶) صانعی، پرویز، **طرح مقدماتی حقوق جزای عمومی**، پلی کی، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۴۸
- (۷) فتحی حجت اله، **مسئولیت کیفری اطفال با رویکردی لایحه قانون مجازات اسلامی، نشریه حقوق اسلامی**، سال ششم، شماره ۲۱، ۱۳۸۸
- (۸) قیاسی، حیدری و جلال الدین، مسعود، مطالعه معیار بلوغ در تحقق مسئولیت کیفری در لسان شارع، **متشرعین و حقوق ایران، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی**، سال نهم، شماره 32، ۱۳۹۲
- (۹) محقق هرچقان، صابری و علیرضا، سید مهدی، زمینه‌یابی تعیین حداقل سن کسب قدرت کنترل و بکارگیری هیجانان برای حل مشکلات در جوانان ایرانی، **مجله علمی پزشکی قانونی**، دوره ۱۷، شماره ۱، ۱۳۹۰
- (۱۰) موذن زادگان و همکاران، **مسئولیت کیفری نقصان یافته اطفال و نوجوانان در جرایم تعزیری مصوب قانون مجازات اسلامی ۹۲**، **کنفرانس ملی سیاست کیفری ایران در قبال بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان**، کرمان: دانشگاه تحصیلات تکمیلی صنعتی و فناوری پیشرفته، ۱۳۹۲
- (۱۱) میر سعیدی، سید منصور، **مسئولیت کیفری (قلمرو و ارکان)**، جلد اول، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۳
- (۱۲) میر محمد صادقی، حسین و محمدی، منصوره، بررسی سن مسئولیت کیفری اطفال در ادوار قانونگذاری ایران و فقه جزایی اسلام، **کنفرانس ملی سیاست کیفری ایران در قبال بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان**، کرمان: دانشگاه تحصیلات تکمیلی صنعتی و فناوری پیشرفته، ۱۳۹۲
- (۱۳) هاشمی، حسین، «دختران، سن رشد و مسئولیت کیفری»، **فصلنامه کتاب زنان**، ش ۳۳، ۱۳۸۳